

معیارهای جدید کمیته بال سویس در زمینه

# محاسبه کفایت سرمایه بانکها

مهناز بهرامی

کمیته مذکور از طریق شبکه‌های منطقه‌ای، ارتباط نزدیکی را با مقامات نظارتی همه کشورهای جهان برقرار کرده است و در حال حاضر، نمایندگان اکثر کشورهای جهان در محل این کمیته حضور بهم رسانده‌اند و در حال مذاکره برای تصویب نهایی چهارچوب جدید استانداردهای سرمایه می‌باشند. امید فراوانی هم وجود دارد که قوانین جدید کفایت سرمایه بتوانند در سطح بین‌المللی مورد استفاده قرارگیرند.

محل دایمی دبیرخانه کمیته نظارت بانکی، در شهر بال سویس و در محل بانک تسویه بین‌المللی قرار دارد. کمیته مذکور در حال حاضر به مدیریت آقای William J. MC Donough که در ضمن رییس بانک فدرال رزرو نیویورک نیز می‌باشد، اداره می‌شود.

## ضرورت بازنگری در پیمان‌نامه

باتوسعه بازارهای مشتقه<sup>۲</sup> و فراهم شدن فرصت‌های مالی جهانی برای مشتریان بانکها، مقرراتی که در سال ۱۹۸۸ از سوی کمیته بال سویس برای نظارت بر فعالیت بانکها ارایه شده بود، کارایی خود را از دست داد و انجام بازنگری در چارچوب آن ضروری می‌نمود. پیشرفت‌های صورت گرفته در تعمیم و گسترش بازارهای ثانویه نیز باعث شدند که بانکها، ریسک‌های اعتباری با کیفیت بالا<sup>۳</sup> را در این بازارها به فروش برسانند و بدین ترتیب، سیستم محدود ریسک اعتباری که در پیمان‌نامه ۱۹۸۸ کمیته بال ارایه شده بود و بانکها را به محافظت خویش در برابر ریسک اعتبار فرامی‌خواند، پاسخگویی شرایط روز نبود و در بانک‌های پیچیده<sup>۴</sup> کارایی لازم را نداشت. در چنین شرایطی، طبیعی است که نسبت احتیاطی کفایت سرمایه در کشورهایی که دارای بازارهای مالی پیشرفته هستند، مفهومی ندارد. به‌علاوه، تجربه کشورهای بحران‌زده آسیای جنوب شرقی در اواخر دهه ۱۹۹۰ نشان می‌دهد که نسبت کفایت سرمایه در این کشورها عاملی گمراه‌کننده بوده است، زیرا با وجود ذخیره‌گیری ناکافی برای وام‌های مشکوک‌الوصول، نسبت کفایت سرمایه اکثر بانک‌های این کشورها، کمی قبل از پیدایش بحران، در سطح مناسبی گزارش شده بود!

## مقدمه

بانکها از دیرباز، به دلیل اعطای وام و تسهیلات، با ریسک‌های مختلفی مواجه بوده‌اند. برای مقابله با این ریسک‌ها، کمیته نظارت بانکی بانک تسویه بین‌المللی که در شهر بال سویس فعالیت می‌کند، در موافقت‌نامه سال ۱۹۸۸ خود، معیارهای تعیین حداقل سرمایه برای فعالیت‌های بانکها را منتشر کرد. بدیهی است که از آن تاریخ تاکنون، تغییرات عمده‌ای در بازارهای مالی بوقوع پیوسته است. برای مثال، گسترش مفاهیم و مدل‌های ریسک اعتباری باعث سهولت طراحی ابزارهای جدید مالی و روش‌های قیمت‌گذاری شده‌اند و این امر گسترش و تعمیم بازارهای مالی را به دنبال داشته است.<sup>۱</sup>

برای معرفی تغییرات موردنظر در بازارها، کمیته بال سویس در تاریخ ۱۶ ژانویه ۲۰۰۱، استانداردهای جدید کفایت سرمایه بانکها را منتشر کرد و فرصت نهایی برای بحث و تبادل نظر در این زمینه را به تاریخ ۳۱ ماه می ۲۰۰۱ میلادی موکول کرد. استانداردهای موردنظر نیز تا پایان سال ۲۰۰۱ نهایی شده و پس از آن، از ابتدای سال ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا خواهند بود.

## سابقه انتشار استاندارد

موافقت‌نامه سال ۱۹۸۸ بال، استاندارد حداقل سرمایه برای بانک‌های فعال بین‌المللی را تعیین کرد. این موافقت‌نامه دو هدف عمده را دنبال می‌کرد: اول، گسترش شرایط رقابتی میان بانک‌های فعال بین‌المللی؛ دوم، افزایش جهش<sup>۲</sup> مالی این بانکها. پس از انتشار این موافقت‌نامه در مجموع بیش از یکصد کشور جهان، پیشنهاد کمیته بال را پذیرفتند. علی‌رغم اینکه این مقررات برای بانک‌های فعال بین‌المللی معرفی شده بود، لیکن چارچوب آن برای کلیه کشورها قابل اجرا به نظر می‌رسید. قبل از شروع بحث اصلی، اشاره‌ای کوتاه به تاریخچه فعالیت کمیته بال سویس ضروری می‌باشد. کمیته نظارت بانکی در سال ۱۹۷۴ تأسیس شد و اعضای آن را مقامات نظارتی ارشد کشورهای عضو گروه ۱۰ به‌علاوه سویس و لوکزامبورگ، تشکیل می‌دادند.



○ تجربه کشورهای بحران‌زده آسیای جنوب شرقی در اواخر دهه ۱۹۹۰ نشان می‌دهد که نسبت کفایت سرمایه در این کشورها عاملی گمراه‌کننده بوده است.



است. از این رو، ضرایب ریسک دارایی‌ها در نسبت کفایت سرمایه افزایش می‌یابد و حاصل کسر کوچک‌تر می‌شود. بانک یا کشوری که در جدول رتبه‌بندی مؤسسات معتبری مانند Standard and Poor's, Moody's Investors Services و Fitch IBCA با ریسک‌های بالایی در زمینه‌های اعتباری، سرمایه‌گذاری، نقدینگی و... معرفی شده باشد، در دستیابی به حد استاندارد کفایت سرمایه، یعنی ۸ درصد<sup>۹</sup> با مشکل روبرو خواهد شد. برای اینکه چارچوب جدید کمیته بال یک استاندارد جهانی شود، به وجود مؤسسات رتبه‌بندی متخصص در داخل هر کشور نیاز دارد، مؤسساتی که فقط به کار رتبه‌بندی شرکت‌هایی که بدهی منتشر می‌کنند، نپردازند. شرکت‌هایی که از اعتبار خوبی برخوردارند، تمایل دارند که رتبه‌بندی شوند. شرکت‌هایی هم که رتبه‌بندی نمی‌شوند، به صورت اتوماتیک با ضرایب ریسک صد درصد مواجه می‌شوند و شرکت‌هایی که با رتبه‌های پایین ارزیابی می‌شوند، با ضریب صد و پنجاه درصد جریمه می‌شوند. از این رو، در این قبیل شرکت‌ها (به دلیل ترس از نتایجی که به دنبال دارد) غالباً انگیزه‌ای برای رتبه‌بندی شدن احساس نمی‌شود.

اکثر صاحب نظران عقیده دارند که رتبه‌بندی‌های خارجی بسیار متزلزل هستند. این رتبه‌بندی‌ها، با انتظارات بازار از احتمال وقوع اشتباه یا تصور یک کشور یا یک بانک همراه می‌باشند. برای یک اقتصاد نوظهور، یک تنزل ارزیابی یا حتی توجه به آن می‌تواند باعث فرار سرمایه‌ها شود. از سوی دیگر، تعلل یک شرکت رتبه‌بندی در اعطای درجه پایین‌تر، انتقادهایی را در آینده دنبال خواهد داشت، چرا که هشدار برای فرار سرمایه‌ها ارایه نداده است.

در شرایط جهان امروز، تصور کنید که اگر کشوری به رتبه پایین‌تر تنزل یابد، بانک‌های آن کشور در تبعیت از مقررات جدید کمیته بال از نظر سرمایه ضربه خواهند دید، یا به عبارت دیگر، با مشکل فرار سرمایه مواجه خواهند شد. تنزل به رتبه پایین‌تر نه تنها دارایی‌های یک دولت، بلکه بانک‌ها را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. در بدترین شرایط، بحران تشدید خواهد شد، و در بهترین شرایط نیز انتظار وقوع چنین حوادثی به عنوان یک عامل بازدارنده و اختار کننده عمل خواهد کرد.

نکته مهم دیگر آن است که شرکت‌های رتبه‌بندی نیز مصون از خطا نیستند و در ضمن، روش‌های مختلفی را هم دنبال می‌کنند. برای مثال، شرکت Moody's رتبه‌های مستقل و ناخواسته‌ای<sup>۱۱</sup> را به شرکت‌ها ارایه می‌کند، و در مقابل، شرکت Standard and Poor's، رتبه‌بندی خود را براساس اطلاعات عمومی (PI)<sup>۱۱</sup> صادر می‌کند. لازم به ذکر است که تا زمانی که امکان استفاده از رتبه‌بندی‌های داخلی برای بانک‌ها فراهم نشود، گسترش رتبه‌بندی با

نکته مهم دیگر این است که به موجب عهدنامه سال ۱۹۸۸ در زمینه معیارهای کفایت سرمایه، کشورهای عضو OECD از یکسری امتیازات بهره‌مند بودند. برای مثال، چنانچه بانکی در ترکیب دارایی‌های خویش از اوراق فرضه منتشره دولت‌های عضو OECD استفاده می‌کرد، برای این گروه از دارایی‌ها ضریب ریسک صفر درصد در نظر گرفته می‌شد.

در حال حاضر، استفاده‌ها از معیارهای رتبه‌بندی اعتباری برای تعیین ضرایب ریسک دارایی‌ها، توجه صاحب‌نظران بانکی را به سوی خود جلب کرده و کمیته بال سویس را بر آن داشته است تا یک بازنگری اساسی در معیارهای گذشته خود انجام دهد. دلیل این امر هم آن است که رتبه اعتباری هر کشور که توسط مؤسسات معتبر رتبه‌بندی صورت می‌گیرد، معیار مناسبی برای ارزیابی اعتبار کشور مربوطه یا مؤسسات مالی آن به شمار می‌آید. بدهی‌های کوتاه مدت و بلندمدت کشورها، توان مالی بانک‌ها و درجه ریسک انواع اوراق بهادار منتشره از جمله مواردی هستند که توسط شرکت‌های رتبه‌بندی ارزیابی شده و ارزش اعتباری آنها مشخص می‌شود. نتایج حاصله نیز برای سرمایه‌گذاران در سطح جهان ارزشمند بوده و مبنای تصمیم‌گیری آنها قرار می‌گیرد.

### پیشنهاد‌های جدید

چارچوب جدیدی که در واقع ادامه پیمان نامه سال ۱۹۸۸ است، بر سه اصل استوار می‌باشد:

**\* اصل اول:** اصل اول، تعیین حداقل سرمایه مورد نیاز است و ماتریس یا شبکه‌ای از رتبه‌بندی اعتبار خارجی را برای تعیین سطح سرمایه مورد بحث ارایه می‌دهد. به عبارت دیگر، اصل مذکور به این سؤال پاسخ می‌دهد که برای انواع مختلف ریسک‌ها چه میزان سرمایه ضروری است؟

تعیین رتبه اعتباری به وسیله یکی از دو روش زیر صورت می‌پذیرد؛

- رتبه‌بندی توسط مؤسسات رتبه‌بندی خارجی<sup>۷</sup> (شخص ثالث)،

- رتبه‌بندی توسط سیستم رتبه‌بندی داخلی<sup>۸</sup> بانک. انتخاب یکی از دو روش فوق، اولاً، به میزان پیچیدگی عملیات بانک مورد بحث بستگی داشته؛ ثانیاً، باید با مجوز بازرسان نظارت بر بانک‌ها همراه باشد. به عبارت دیگر، هر بانک فقط پس از اخذ مجوز مزبور میتواند از سیستم مدیریت داخلی خویش برای رتبه‌بندی ریسک اعتباری طرفین مقابل استفاده کند و در غیر این صورت، باید از مؤسسات رتبه‌بندی معتبر برای انجام این مهم دعوت به عمل آورد. پس از تعیین رتبه‌های مورد بحث، هر قدر رتبه اعتباری کشور یا بانک مربوطه پایین‌تر باشد، ریسک‌های اعتبار و سرمایه‌گذاری در آنجا بیشتر

در حال حاضر، نسمایندگان بیشتر کشورهای جهان در کمیته نظارت بانکی حضور بهم رسانده‌اند و در حال مذاکره برای تصویب نهایی چهارچوب جدید استانداردهای سرمایه می‌باشند.



به قوت خود باقی است. علی‌رغم معافیت‌های فوق‌الذکر، بازرسان آلمانی که در کمیته بال هستند، در صدد مذاکره با نظریه‌پردازان کمیته بال برای گرفتن امتیاز برآمده‌اند.

از دیگر مشکلات موجود، استفاده از سیستم تلفیقی حساب‌ها می‌باشد. از دیدگاه صاحب‌نظران بانکی، اقدام به تلفیق حساب‌ها، از آرام نگاهداشتن یک اسب بر روی زمین چمن در هنگام مسابقه اسب‌دوانی سخت‌تر است! مؤسسات مالی اروپایی باید حساب‌های خود را به سیستم تلفیقی اتحادیه اروپا بازگردانند. انجام این کار در امریکا سخت‌تر است و حتی بانک‌ها و شرکت‌های مالی امریکایی ممکن است به تملک شرکت‌های سرمایه‌گذاری ای<sup>۱۴</sup> درآیند که دارای سیستم نامنظم و غیرتلفیقی هستند. چارچوب جدید پیشنهاد می‌کند که صورت‌های مالی شرکت‌های سرمایه‌گذاری باید براساس سیستم تلفیقی تنظیم شوند، زیرا این شرکت‌ها والد<sup>۱۵</sup> بانک‌ها به حساب می‌آیند.

گذشته از موارد فوق‌الذکر، استفاده از معیارهای شرکت‌های رتبه‌بندی، بزرگترین نگرانی کارشناسان بانکی محسوب شود. برای مثال، برای اعتباراتی که با تضمین یک دولت همراه است، یک تنزل رتبه یا گروهی از رتبه‌های پایین می‌تواند به کاهش ارزش دارایی‌های تحت ضمانت آن دولت منجر شود و این امر به دلیل تغییر پیش‌بینی در مقررات ریسک‌های مربوط به کمیته بال پیش می‌آید. شاید ارایه یک متدولوژی در زمینه تعیین میزان ریسک اعتبارات دولت، باعث شود که این اعتبارات به میزان کمتری از تغییرات بازار تبعیت کنند و شاید عضویت در یک گروه معتبر، ارزش بیشتری نسبت به عضویت در OECD داشته باشد.

در پایان اضافه می‌شود که گروه بال می‌بایست تبعیت کشورها از معیارهای IMF (در زمینه انتشار اطلاعات) را نیز به معیارهای تعیین ریسک زیر صددرصد خود اضافه کند. شاید این امر به بهبود ارتباط کشورها در زمینه ایجاد ارتباط با IMF و سایر سازمان‌های بین‌المللی کمک کند.

### زیرنویس‌ها

- 1) تعمیق بازارهای ثانویه باعث می‌شوند که ریسک‌های اعتباری در این بازارها قابل معامله باشند.
- 2) Financial Resilience.
- 3) کشورهای عضو گروه ۱۰ عبارتند از آلمان، فرانسه، امریکا، سوئد، انگلستان، ژاپن، هلند، بلژیک، کانادا و ایتالیا.
- 4) Derivatives Markets.
- 5) High-quality Credit Exposures.
- 6) Sophisticated Banks.
- 7) External Rating Agencies.
- 8) Internal Ratings Based (IRB).

روش PI احتمالاً افزایش خواهد یافت، زیرا بانک‌ها در جستجوی کاهش سرمایه در ترکیب وام خود خواهند بود.<sup>۱۲</sup> لذا در رتبه‌بندی بانک‌ها و شرکت‌ها، کیفیت کاهش یافته و کمیت افزایش خواهد یافت و هم‌زمان با آن، مؤسسات جدید رتبه‌بندی به جریان افتاده و براساس معیارهای متغیر توسط بازرسان ملی (داخلی) تأسیس می‌شوند.

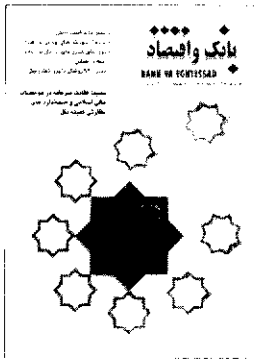
**\* اصل دوم:** این اصل، روی فرآیند بازرسی تأکید دارد. در این رابطه، مسوولیت‌های بازرسان بانک‌ها برای بررسی نیازهای کفایت سرمایه بانک‌ها بیشتر می‌شود، ضمناً ارزیابی آنها نباید فقط در مرحله استانداردهای ساده کمی متوقف شود. به موجب این اصل، بازرسان باید به چهار نکته توجه کنند: اول اینکه، بانک‌ها باید بتوانند نیازهای سرمایه‌ای خود را به ریسک‌های مختلف مرتبط نموده و برای تعیین سطوح مطلوب سرمایه از یک استراتژی خاص پیروی کنند؛ دوم اینکه، بازرسان باید نکته اول را پیگیری نموده و در صورت مشاهده نقاط ضعف در برنامه سرمایه بانک، اقدامات ضروری را به عمل آورند؛ سوم اینکه، بانک‌ها باید در حدی بالاتر از حداقل استاندارد فعالیت کنند و بازرسان نیز باید قدرت قانونی لازم برای اجرای این حد را داشته باشند؛ و چهارم اینکه، بازرسان باید قبل از کاهش نسبت‌های کفایت سرمایه به حدی پایین‌تر از حد استاندارد، دخالت‌های لازم را اعمال کنند.

**\* اصل سوم:** اصل سوم، ملحق کردن نظم بازار به معیارهای رایج است. این کار می‌تواند به وسیله ارایه اطلاعات کافی از مدیریت ریسک مؤسسات و استانداردهای کفایت سرمایه به شرکای بازار (همانند سهامداران) صورت پذیرد. به عبارت دیگر، اصل مذکور بانک‌ها را به افشای اجباری اطلاعات وادار می‌سازد. اجرای این اصل، بهترین رویه مدیریت ریسک است و بیشترین نظارت مؤثر را به دنبال خواهد داشت.

### چالش‌های پیش رو

انتشار چارچوب جدید کمیته بال، نزاع میان بانک‌های اروپایی و امریکایی را افزایش داد. علت این امر هم اعطای معافیت‌های خاص به برخی از بانک‌های اروپایی بود. براساس این معافیت، بانک‌های مذکور از اعطای ضریب ریسک صددرصد به وام‌های دارایی‌های تجاری<sup>۱۳</sup> معاف می‌شدند. به موجب دستور اتحادیه اروپا در زمینه محاسبه توان بانک برای ایفای تعهدات (که در سال ۱۹۹۳ اجرا شد) بانک‌های اتریش، دانمارک و آلمان می‌توانند ضریب ریسک ۶۰ درصد را برای وام‌هایی که به صورت دارایی‌های تجاری تضمین شده هستند، اعمال کنند، مشروط بر آنکه وام‌های مورد نظر بیشتر از ۶۰ درصد ارزش دارایی‌ها نباشند. این معافیت تا سال ۲۰۰۶

○ پدیده‌های کوتاه مدت و بلندمدت کشورها، توان مالی بانک‌ها و درجه ریسک انواع اوراق بهادار مستشره از جمله مواردی هستند که توسط شرکت‌های رتبه‌بندی ارزیابی شده و ارزش اعتباری آنها مشخص می‌شود.



استانداردهای قانونی، ماهیتاً به سمت بازداشتن ابداعات و توقف فعالیت‌ها گرایش دارند.

- 13) Commercial Property Loans.
- 14) Holding Companies.
- 15) Parents.

### مآخذ

- 1) Capital Adequacy, Too for-Too fast/ Euromoney / August 1999.
- 2) New Capital Accord/ IMF Survey/ Volume 30/ Number 3/ February 5, 2001.
- 3) Bank Capital Regulation in Contemporary Banking Theory/ BIS Working Paper/ No 90/ Sept. 2000

۹) البته امروزه، اکثر بانک‌های کشورهای پیشرفته جهان به حد ۱۲ تا ۱۶ درصد در نسبت‌های کفایت سرمایه خویش نایل شده‌اند و معیار ۸ درصد نیز اهمیت اولیه خود را از دست داده است.

10) Unsolicited Ratings.

11) Public Informations.

۱۲) چارچوب نظریه جدید کمیته بال، استفاده از اوراق بهادار و وثایق را برای کاهش استفاده از سرمایه، تشویق می‌کند. این امر تا زمانی منطقی است که بانک‌های تجاری پیچیده (که مدیریت ریسک آنها بر یکسری از این قوانین جدید متکی است) دارای عملکرد صحیح باشند. در سال ۱۹۹۸، تعدادی از سنگین‌ترین اوراق تجاری جهان، متحمل بحران نقدینگی شده بودند. لازم به ذکر است که به‌وسیله استاندارد کردن متدولوژی بانک‌های پیچیده، عامل تنوع در فعالیت‌های مدیریت ریسک از بین خواهد رفت، زیرا

# محاسبه نسبت کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی

مآخذ: بیانیه سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی  
مترجم: صدیقه رهبر شمس‌کار

### پیشگفتار

به شرح زیر هستند:  
الف - اگر حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود می‌توانند به عنوان بخشی از سرمایه سهام در خطر بانک محسوب شوند، این حد تا چه میزان است؟  
ب - سرمایه یک بانک اسلامی (وجوه سهامداران) در نتیجه وجود حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود تا چه حد در معرض خطر قرار دارند؟  
پ - در صورت عدم تمایز، لازم است چه تمایزهایی را بین حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود محدود و نامحدود قایل شد؟

هدف این بیانیه تعیین یک روش استاندارد برای محاسبه کفایت سرمایه بانک‌های اسلامی است. این روش استاندارد در پی آن است که در محاسبات خود، اولاً به‌طور کلی، متدولوژی نسبت کفایت سرمایه پیشنهادی بانک تسویه بین‌المللی برای بانک‌ها را به ترتیبی که در توافق‌های کمیته بال مقرر می‌شود، در مدنظر قرار دهد؛ ثانیاً، جایگاه حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود<sup>۱</sup> را (در مقررات) مشخص کند. متدولوژی کمیته بال هیچگونه ذخیره‌ای را برای اقلام طرف بدهی‌ها مانند حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود که نه جزو وجوه سهامداران محسوب می‌شود و نه (منطقاً) جزو بدهی‌هاست، نگهداری نمی‌کند.

از این رو، کمیته کفایت سرمایه مؤسسه AAIOFI متعهد شده است که جوانب اصلی روش محاسبه نسبت کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی را (با استفاده از اصول اولیه مشخص کند. تجزیه و تحلیل متدولوژی بال و مسائلی که در رابطه با پذیرش آن برای بانک‌های اسلامی مطرح است، در ضمیمه «ب» آورده می‌شود. در مورد روش استاندارد محاسبه نسبت کفایت سرمایه بانک‌های اسلامی توضیحاتی نیز در ضمیمه «ج» ارائه می‌شود.

از این رو، محاسبه نسبت کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی، پرسش‌های بنیادینی را در مورد آن برمی‌انگیزد، مثل مفهوم نسبت کفایت سرمایه زمانی که برای چنین مؤسساتی محاسبه می‌شود. عمده این مسائل

○ در شرایط جهان امروز اگر کشوری به رتبه پایین‌تر تنزل یابد، با مشکل فرار سرمایه مواجه خواهد شد و بانک‌های آن کشور هم از نظر سرمایه ضربه خواهند دید.